

به‌بهانه‌ایام‌ز یارت مخصوص امام هشتم^(ع)

حرم مأمَن هویتی شیعه

حضور حضرت امام رضا(ع) و هجرت ایشان به مرو و به تبع آن حضور امامزادگان و فرزندان اهل‌بیت در ایران، تاثیر بسزایی در تثبیت و تقویت تشیع در ایران داشت. علاوه بر این حضور، عوامل انسانی مختلفی را می‌توان در تکوین و تقویت تشیع در ایران در دوره امام رضا(ع) برشمرد. در گفت‌وگو با حامد منتظری‌مقدم، عضو هیات علمی گروه تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، نقش امام هشتم در هویت‌بخشی به شیعیان در ایران را مورد بررسی قرار دادیم.

حضور حضرت امام رضا(ع) و هجرت ایشان به مرو و به تبع آن حضور امامزادگان و فرزندان اهل‌بیت در ایران، تاثیر بسزایی در تثبیت و تقویت تشیع در ایران داشت. علاوه بر این حضور، عوامل انسانی مختلفی را می‌توان در تکوین و تقویت تشیع در ایران در دوره امام رضا(ع) برشمرد. در گفت‌وگو با حامد منتظری‌مقدم، عضو هیات علمی گروه تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، نقش امام هشتم در هویت‌بخشی به شیعیان در ایران را مورد بررسی قرار دادیم.

■ تشیع از چه زمانی وارد ایران شد و تشیع در ایران چه پیشینه‌ای دارد؟

درباره بحث پیشینه ورود تشیع به ایران باید گفت از دهه‌های ابتدایی قرن اول و در نهایت نیمه قرن اول هجری، تشیع در برخی مناطق ایران حضور آشکاری دارد و رفته رفته وقتی به اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم می‌رسیم، اساسا یک مراکز جمعیتی شیعی و شهرهای شیعی در ایران شکل می‌گیرد. قم، کاشان، نیشابور و سبزوار شهرهایی هستند که به عنوان شهرهای شیعی شناخته می‌شوند. شمال ایران و طبرستان و بخش‌هایی از ری هم از این دست هستند.

تقریبا یک قرن یا یک قرن و نیم قبل از حضور امام رضا(ع) در ایران، حضور جدی و پررنگ اجتماعات شیعی را در ایران شاهد هستیم.

■ **عوامل موثر – بویژه عوامل انسانی – در شکل‌گیری تشیع در ایران چیست؟**

عوامل مختلف است اما مهم‌ترین عوامل انسانی اثرگذار در تشیع در ایران عامل فرهنگی و تبلیغی بود. اگر فهرست اصحاب ائمه و آنهایی را که راوی احادیث اهل‌بیت بودند ببینید، تعداد زیادی از آنها از مناطقی در ایران مانند ری، قم و دیگر شهرهای ایران هستند. در منابع اصلی رجال آمده که این اصحاب از ایران بودند. این اصحاب آمد و شند داشته‌اند و گاهی یک صحابی وقتی دوره‌ای را محضر امام بوده، به منطقه خود بازمی‌گشته و این خود خیلی در نفوذ و ترویج افکار شیعی در ایران موثر بوده است. از سویی از امام صادق(ع) به بعد افرادی به عنوان نماینده و وکیل و داعی و مبلغ به مناطق مختلف اعزام می‌شدند که از جمله به ایران هم اعزام شدند و این در گسترش تشیع تاثیر داشت. بعد از فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی، عامل دیگری که اثر داشت، فعالیت‌های سیاسی و بعضا نظامی در غالب جنبش‌ها و قیام‌های شیعی بود. برخی جنبش‌های شیعه در داخل خود ایران مثلا در نواحی غربی ایران بود و در آن تقعیب و گریزی که این قیام‌ها و جنبش‌ها با حکومت داشتند، این جنبش‌ها مدام در حال تغییر مکان در این نواحی بودند. مثلا جنبشی در عراق یا مدینه شکل می‌گرفت و پس از شکست و تقعیب و گریز، اینها داخل قلمرو ایران می‌آمدند. قیل از حضور امام رضا(ع) در ایران در دوره هارون می‌بینیم که یکی از سادات حسنی به دیلم – گیلان کنونی – آمد و کارش رشد می‌کند و در نهایت هارون با فریب به او امان می‌دهد و او را دستگیر می‌کند. این اتفاق در نیمه قرن دوم رخ داده، لذا چند دهه قبل از حضور امام رضا(ع) در ایران، در دیلم چنین حضور سیاسی و نظامی را داریم. نکته دیگر اینکه عامل اجتماعی مهاجرت‌های انسانی بسیار تاثیر داشت. در این مهاجرت‌ها گاهی یک قبیله شیعی از کوفه حرکت می‌کرد و به ایران می‌آمد. به عنوان مهم‌ترین نمونه، مهاجرت اشعری‌ها را داریم که از کوفه به قم آمدند و اواخر قرن اول قم را تبدیل به یک شهر شیعی کردند. گاهی قبایل شیعی به صورت کلونی می‌جایتن می‌آمدند و گاهی به صورت فردی وارد ایران می‌شدند. اینها خیلی تاثیر جدی در نفوذ اندیشه‌های شیعی و به تبع آن گسترش تشیع در ایران داشتند. از بین فعالیت‌های انسانی، خود حضور امام رضا(ع) در جایگاه ولیعهدی در بخشی از ایران و در خراسان و مرو، تاثیر بسیار چشم‌گیری دارد و یک نقطه عطف در رشد تشیع در ایران است. به تبع حضور حضرت رضا(ع) به عنوان امام شیعیان و بزرگ‌ترین شخصیت سادات هاشمی و علوی در ایران، تعداد زیادی از بزرگان علوی و شیعیی یا همراه ایشان یا برای رسیدن به محضر ایشان با یک فاصله زمانی وارد ایران شدند، حضور اینها در گسترش شیعه در ایران تاثیر داشت. برخی امامزادگان مثلا فرزندانی از امام کاظم یا حتی امام صادق(ع) به ایران آمدند که نمونه معروف و مانوس برای ایرانیان حرکت حضرت معصومه(س) است که به قصد زیارت برادر به ایران می‌آیند و در قم بیمار می‌شوند و رحلت می‌کنند. حضور خود ایشان برای تثبیت تشیع بسیار مهم است.

وفات امام رضا(ع) در ایران و مرقدی که در اینجا ایجاد و زیارتگاه مؤمنان شد هم از عوامل انسانی تاثیرگذار در حضور تشیع در ایران بود. حضور ایشان و بعد مرقد ایشان تاثیر بسزایی در تثبیت تشیع در ایران دارد. ■**به‌طور خاص نقش امام رضا(ع) در شکل‌گیری و تکوین و تثبیت تشیع در ایران و هویت‌بخشی به تشیع چه بود؟** تشیع انواع و اقسامی داشت و امام رضا(ع) در ارتقای کیفی و ارتقای محتوایی تشیع در بین این اقسام مختلف، نقش پررنگ و اثرگذاری دارند.

تشیع از ابتدای شکل‌گیری اقسامی داشت. گاهی تشیع محبتی بود، یعنی افرادی به جهت علاقه و محبتی که به حضرت علی(ع) داشتند، شیعه آن حضرت می‌شدند و عنوان شیعه هم به آنها اتلاق می‌شد. افرادی هم حضرت علی(ع) را امام بعد از رسول خدا می‌دانستند که اینها



شیعیان اعتقادی بودند. ما در یک مقاله پژوهشی با عنوان بازشناسی تاریخی مفاهیم شیعه که در شماره ۳۶ مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش چاپ شده، بحث کرده‌ایم که تطور و سیر تاریخی مفاهیم شیعه چگونه بوده و آنجا توضیح دادیم که تشیع ۲ قسم کلان داشت که تشیع محبتی و تشیع اعتقادی است. این یک تقسیم‌ عرضی است که شیعیان بعضا محبتی و بعضا اعتقادی بودند. یک تقسیم‌بندی طولی هم داریم که شیعه محبتی در ابتدا شکل گرفت و بعد شیعه اعتقادی و بعد شیعه رفتاری داریم. شیعه رفتاری یعنی کسی که در رفتار و اعمال خود از اهل‌بیت پیروی می‌کند. آنچه ورودی شیعه بود، محبت به اهل‌بیت بود. آن محبت هم به این جهت بود که اهل‌بیت فضایل زیادی داشتند که این فضایل از جمله عدالت و… برای افراد جذاب بود. به علاوه اینکه در قرآن آیه مودت هست و پیامبر به مودت با اهل‌بیت دستور داده بودند. اینها عوامل تشکیل تشیع محبتی می‌شد. محبت، مسیر ورود به تشیع بود اما مشکلی که پیش می‌آمد این بود که برخی در همین سطح محبت باقی می‌ماندند و دیگر پیشرفت نمی‌کردند که اعتقادات و تعالیم دینی خود را از امام و اهل‌بیت اخذ کنند. اگر هم به این مرتبه می‌رسیدند، به مرتبه پیروی و تبعیت نمی‌رسیدند. محبت، ورودی تشیع است نه توقفگاه تشیع. تشیع باید از محبت به مرحله اعتقاد و بعد به مرحله تبعیت رفتاری برسد. این قله تشیع است. ائمه هر کدام به فراخور فرصت‌هایی که داشتند، می‌کوشیدند شیعه را به این نقطه اوج و کمال و قله تشیع برسانند که این قله تشیع اعتقادی و بعد تشیع رفتاری بود.

در دوره امام رضا(ع) به جهت شرایط و فرصت‌های سیاسی مانند ولیعهدی امام رضا(ع) و به جهت فرصت‌های فرهنگی مانند چالش‌های فکری و اندیشه‌ای و مذهبی که بین فرقه‌های مختلف ایجاد شده بود و به دلیل فرصت‌های اجتماعی و آسیب‌های درونی که در جوامع اسلامی بود، حضرت نقش برجسته‌ای در ارتقای کیفی و محتوایی تشیع و به تعبیر ما هویت‌بخشی به شیعیان داشتند. یعنی تلاش کردند جامعه شیعی از آن تشیع محبتی فراتر برود و به تشیع اعتقادی و رفتاری برسد. این نقش در روایات امام رضا(ع) خیلی انعکاس یافته است. افزون بر ۱۰ رویات داریم که می‌تواند ناظر به همین هویت‌بخشی به شیعیان باشد که من برخی از اینها را عنوان می‌کنم.

روایاتی که از امام رضا(ع) درباره هویت‌بخشی به شیعیان است، گستره وسیعی دارد و محدود به ایران نیست اما شامل شیعیان ایران هم می‌شود. اینها روایات متعددی است و افزون بر ۱۰ روایت است که برخی از مهم‌ترین‌ها را عرض می‌کنم.

در کتاب صفات شیعه شیخ صدوق، صفحه ۱۰۳ آمده است «شِيعَتَنَا الْمُسْلِمُونَ لَأَمْرًا الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخْلَفُونَ لِأَعْدَانِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّنَا» شیعیان ما، تسلیم امر ما هستند، سخنان ما را می‌پذیرند و با دشمنان ما مخالفند. پس هر کس اینگونه نباشد، از ما نیست.

این روایت از این نظر خیلی مهم است که تشیع اعتقادی و رفتاری را انعکاس می‌دهد، به این شکل که شیعه محور اندیشه و گفتارش امام می‌شود و شیعه به این هویت می‌رسد که بر مدار امام قرار می‌گیرد و مدارهای دیگر را رقی می‌کند، لذا اینجا جامعه شیعه از غیر شیعه به یک تمایز می‌رسد.

ذکر این داستان در اینجا خالی از لطف نیست که امام رضا(ع) خطابی به زید این موسی برادرشان دارند که می‌فرمایند به خدا سوگند هیچ‌کس به آن رحمت و برکت و سعادتی که نزد خداست نمی‌رسد، مگر به اطاعت از خدای متعال. قرار نیست کسی با معصیت خدا رستگار شود. اگر انسان می‌خواهد رستگار شود، باید بندگی خدا کند.

در زمان امام رضا(ع) قیامی اتفاق افتاد به اسم قیام ابوالسرایا که شیعیان زیدی در این قیام حاضر شدند و زید این موسی از فرماندهان ارشد آن قیام و امیر بصره شد. این قیام بر ضد مامون بود و زید خانه همه عباسیان را آتش زد. خب! تعدادی از اینها بی‌گناه بودند و کاری به حکومت عباسی نداشتند، لذا او به «زید النار» معروف شد. در نهایت قیام آنها شکست خورد و زید اسیر شد. مامون به نوعی می‌خواست بر سر امام منت بگذارد، لذا زید را آزاد کرد. زید گفت‌وگوهایی با امام دارد که در عیون اخبارالرضا، جلد ۲، صفحه ۲۵۹ آمده است. حضرت به او می‌فرمایند: تو تصور می‌کنی چون از نسل اهل‌بیت هستی و فرزند امام کاظم هستی می‌توانی هر خطایی بکنی؟ تو نمی‌توانی معصیت خدا کنی و باز هم امید داشته باشی به سعادت برسی. اگر خدا تو را که معصیت‌کار هستی به بهشت ببرد و امام را نیز به بهشت ببرد، به این معنی است که تو گرامی‌تر از امام نزد خدا هستی.

پیام این روایت این است که هیچ شیعه‌ای با معصیت خدا نمی‌تواند رستگار شود. اوج قله تشیع، تشیع رفتاری است که انسان باید بندگی خدا را کند. امام صادق(ع) می‌فرمایند: شیعه ما نیست مگر کسی که بندگی خدای متعال را کند.

روایت دیگر که معروف هم هست، می‌فرماید: «لا إلهَ إِلَّا اللهُ حَضِنِي، فَمَنْ ذَخَلَ حَضِنِي أَمِنَ مِنْ غَدَابِي، بَشَرَطَهَا وَبَشَرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» لا إلهَ إِلَّا اللهُ، دژ من است و هر کس وارد دژ من شود، از غدایم در امان است اما این، شرط‌هایی دارد و من، از شرط‌های آن هستم.



کلمه توحید در واقع امانگاه و مأمن انسان‌هاست و شرط رسیدن به این مأمن خود امام است. این امر در واقع این مسیر را برای شیعه تبیین می‌کند که شیعه باید از امامت به سمت توحید برود، یعنی برای رسیدن به توحید ناب و اعتقاد ناب توحیدی راهی جز امامت وجود ندارد.

توحید به عنوان اساسی‌ترین اندیشه‌ای که انسان‌ها به صورت وجدانی به آن باور دارند، آسیب‌خیزترین اندیشه در بین بشر بوده است. بشر در طول تاریخ به دنبال حقیقتی به اسم خدا بوده و پیوسته در رسیدن به این حقیقت آسیب خورده و دچار بت‌پرستی، ستاره‌پرستی، گاوپرستی و… شده است. در داخل اسلام هم این آسیب‌ها بوده است. مثلا برخی مسلمان‌ها معتقدند که خدا جسم دارد، لذا توحید ناب در مکتب اهل‌بیت بود و برای رسیدن به این توحید ناب باید به مسیر اهل‌بیت تمسک کرد. امام مسیر رسیدن به توحید است و اینگونه نیست که ما در امام توقف شویم، بلکه باید از امام به توحید برسیم. این هم روایت دیگری بود که هویت شیعه را ارتقا می‌داد.

روایت سوم در کتاب کافی جلد دوم صفحه ۲۴۱ آمده که می‌فرماید «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ السِّرِّ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ عَلَيْهِالسَّلَامُ فَالْفَصْرُ فِي التَّأْسَاءِ وَالْفِرَارِ»؛ تا ۳ خصلت در مؤمن نباشد، مؤمن نیست: خصلتی از پروردگارش، خصلتی از پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله و خصلتی از ولی خدا؛ اما خصلت پروردگارش، نهنفتن راز است و خصلت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، ملامت با مردم است و خصلت ولی خدا، شکیبایی در تنگنا و سختی است.

در این روایت مؤمن به معنی شیعه امامی و حقیقی است. این روایت به جامعه شیعی یک هویت متمایز می‌دهد، یعنی جامعه شیعه وقتی به این روایت عمل کند، هویت متمایزی پیدا می‌کند.

این مفاهیم در شکل‌گیری جامعه شیعی و ارتقای محتوایی و تمایز هویتی تشیع خیلی کلیدی است. آیا کتمان سِر که ویژگی نخست است؟ به معنای منزوی شدن جامعه شیعی است؟ خیر! دومین خصوصیت تعامل و مدارای با مردم است. مدارا در دل خود تعامل دارد. اینگونه نیست که دیگر فرقه‌ها را مسلمان ندانیم. روایت‌های متعددی داریم که توصیه می‌کند مثلا در تشیع جزاه اهل سنت حاضر شوید، به عبادت مرضی آنها بروید و… با همین تعامل بود که اهل‌بیت دیگران را جذب می‌کردند.

جامعه شیعی باید به آموزه‌های اهل‌بیت توجه کند و قرار نیست وقتی با دیگران مدارا می‌کند، در اندیشه‌های دیگر همضم شود. این تمایز برای همین است. این تمایز همه در حوزه فروع دین نیست و

بخش زیادی در اعتقادات اساسی است. این ویژگی در کنار کتمان سِر بسیار مهم است.

سومین و مهم‌ترین ویژگی سنتی است که مؤمن از امام خود می‌یابد و آن صبر در مواجهه با سختی‌هاست. مؤمن باید استقامت داشته باشد و در سختی‌ها صبر پیشه کند. این ویژگی در تمایز، حفظ و تداوم جامعه شیعی بسیار مهم است.

نکته دیگر این است که امام رضا(ع) در کنار سایر حضرات، مشوق زیارت بودند. خود زیارت به عنوان یک مؤلفه مهم در حفظ جامعه شیعه و هویت دادن به تشیع و انس شیعیان با یکدیگر مطرح است. ایاصلت هروی روایتی دارد که در عیون اخبارالرضا، جلد دوم، صفحه ۲۶۰ آمده است. عده‌ای از اهل قم بر حضرت وارد شدند و حضرت جواب آنها را دادند و آنها را به خود نزدیک کردند و به آنها خوش آمد گفتند و فرمودند: «فانتُم شیعتنا حقا»؛ شما شیعیان حقیقی ما هستید. این نشان می‌دهد جماعتی که از قم وارد شده بودند شیعیان اعتقادی و رفتاری بودند و صرفا شیعه محبتی نبودند. حضرت به ایشان فرمودند: بزودی شما مزار مرا در طوس زیارت می‌کنید. این روایت زیبایی است که همراه با تاکید حضرت بر بحث زیارت است.

در یک روایت دیگری هم حضرت می‌فرمایند شیعه با امام خود عهدی دارد و این عهد وقتی تمام می‌شود که به زیارت قبور ائمه برود، لذا بحث زیارت، مؤلفه بسیار مهم برای حفظ تشیع و ارتقای تشیع به مراتب تشیع اعتقادی و رفتاری است. جمع‌بندی بحث این است که امام رضا(ع) در فرآیندی که به وسیله سایر ائمه هم این فرآیند دنبال می‌شد، به دنبال هویت‌بخشی به تشیع و ارتقای محتوایی شاخص‌های مذهبی شیعیان بودند امام رضا(ع) و سایر حضرات ائمه تلاش می‌کردند تشیع در آن سطح اولیه محبتی باقی نماند و به تشیع اعتقادی و رفتاری و مرتبه عالی تشیع برسد و فرد، اعتقاداتش را بر اساس تعالیم اهل‌بیت و رفتار و عملش را با تأسی و الگوبری از حضرات ائمه دنبال کند. ظرفیت‌هایی در زمان امام رضا(ع) ایجاد شد که امام در بحث هویت‌بخشی شیعیان تاثیر بسیاری داشتند و حضرت تلاش کردند مؤلفه‌های اساسی شکل‌گیری جامعه شیعی و حفظ و گسترش و تداوم جامعه شیعی را به شیعیان پیام‌ورند و مردم را به این امر رهنمون کنند که از مسیر امامت است که انسان می‌تواند به توحید ناب برسد و امام در واقع هادی الی‌الله است.

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۳

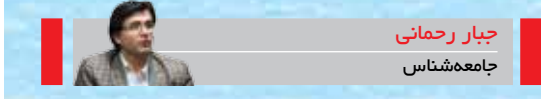
وطن‌امروز | شماره ۴۲۳۹

اندیشه

مکان‌های مقدس چه نقشی در هویت‌سازی

فرهنگی واجتماعی ایفا می‌کنند؟

حرم و بازسازی هویت دینی



حیار رحمانی

جامعه‌شناس

۱- مکان‌های مقدس، به تعبیری کانون نمادین هویت‌ها یا نمادهای هویت‌ساز محسوب می‌شوند. هر جماعتی (چه جماعت دینداران، چه جماعت ورزشکاران و…) هویت گروهی خاص خود را دارند که طی فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی خاص شکل گرفته و طی تجربه آدم‌ها، این هویت دانما بازسازی و تجربه مجدد می‌شود. هویت‌ها اصولا مستلزم فضا یا فضاهایی برای تجربه و بر ساخته شدن هستند. به همین سبب کانون‌هایی فضایی/ مکانی لازم دارند که در آنجا به

طور نمادین جاری شده و به تجربه درآیند.

برای جماعت دینداران، این مساله حول مکان‌های قدیمی از جمله مسجد، زیارتگاه، حسینیه و… متجلی می‌شود. هر چه یک فضای دینی موقعیت محوری و مهم‌تری در تجربه‌های دینداران داشته باشد، وجه هویتی برجسته‌تری خواهد داشت. این مکان‌ها در تجربه‌های دینی و آیین‌های دینی که در آنها رخ می‌دهد و توسط مؤمنان اجرا می‌شود، نقشی کانونی دارند اما این مکان/ فضاهای مقدس، علاوه بر هویت دینی، هویت اجتماعی و فرهنگی جماعت دینداران را هم تا حدی به نمایش و اجرا می‌گذارند. جمع شدن جماعت دینداران در یک فضای دینی، با تقویت روابط و تعاملات اجتماعی، ایجاد حس همدلی و مشارکت بیشتر بین دینداران در همان فضای دینی و تقویت نظام اخلاقی و مذهبی در همان بستر موقتی همراه است، لذا اصولا جماعت‌های دینی در یک مکان دینی منجر به پیوندهای اجتماعی قوی‌تر، اخلاقیات بهتر نسبت به دیگران و… می‌شود.

۲- از سویی دیگر اصولا زیارت، مستلزم حدی از جابه‌جایی است.

حرم امام رضا(ع) در ایران یکی از کانون‌های اصلی و به تعبیری مهم‌ترین کانون زیارتی ایران است که سالانه بیش از ۳۰ میلیون زائر را به خودش جذب می‌کند. این جابه‌جایی، صرفا جابه‌جایی جمعیت‌شناختی نیست، بلکه جابه‌جایی فرهنگی و اجتماعی هم هست و تجربه زیارت، یک تجربه عمیق و همه‌جانبه در زندگی انسان‌هاست که از سطوح اولیه فیزیکی تا تجربه‌های عمیق در سطوح اعتقادی و معنوی را شامل می‌شود. به همین سبب زیارت، یک فرایند و مکانیسم کلیدی در انتقال فرهنگی و حتی در ابداع فرهنگی است. جابه‌جایی آدم‌ها از محیط مالوف و عادت شده خودشان، نه تنها آنها را با ایده‌ها و فضاهای جدید آشنا می‌کند، بلکه می‌تواند آنها را از حصار تنگ عادت‌های‌شان برای لحظات کوتاهی خارج کند. به همین سبب این خروج از عادت و مواجهه با موقعیت‌های جدید و گاه چالش‌های جدید می‌تواند منبانی برای خلاقیت فرهنگی و فکری باشد. ضمن آنکه به واسطه زیارت، تجربه دانسی و تجربی آدم‌ها و حتی عمق تجربه‌های دینی آدم‌ها بیشتر می‌شود، قوت خلاقه آنها نیز به واسطه مواجهه با موضوعات جدید فعال‌تر و توسعه‌یافته‌تر خواهد شد.

۳- کارکرد مناسب بویژه آیین‌های جمعی، ایجاد بستری برای شکل‌گیری هویت دینی، ایجاد و تقویت تجربه دینی و آگاهی دینی و حتی ایجاد و تقویت همبستگی و هویت اجتماعی و فرهنگی است. این کارکردهای کلی در بسترهای محلی و مختصات هر دین با محتوایا و فرمایشات محلی و خاص آن مردم متجلی می‌شوند، لذا بسادگی نمی‌توان ادعای خاص بودن و متمایز بودن متاسک در آیین‌های مختلف را داشت، بلکه اتفاقا تاکید بر تشابهات می‌تواند به ما در سیاست‌گذاری‌های دینی و آیینی حسب تجربه‌های جهانی کمک کند، زیرا وضع موجود در کشور ما نوعی اختلال و آشفتگی جدی در حوزه سیاست‌گذاری آیینی و منسکی را نشان می‌دهد که مستلزم بازبینی انسانی است. مواجهه با سایر ادیان و گفت‌وگو با آنها می‌تواند به غنای فهم ما از خودمان و آیین‌های خودمان کمک کند.

۴- مساله حرم در فرهنگ ایرانی پتانسیل‌های بسیاری دارد؛ پتانسیلی که می‌تواند منشأ برکت و خیر باشد و اگر بدرستی با آن مواجه نشویم، می‌تواند منشأ آسیب هم باشد، لذا باید دقت کرد همیشه به دنبال بهره‌مندی‌های مثبت باشیم. ضمن آنکه باید توجه داشته باشیم حرم اصولا قابل تسری به همه جامعه و فضاهای اجتماعی نیست. نباید مختصات حرم را به کل جامعه بسط داد. حرم در خاص‌بودگی و متمایزبودگی فضایی و مکانی‌اش معنادار است. وسعت دادن آن به قلمرو بی‌نهایت جغرافیایی، نه تنها حرم را رشد نخواهد داد، بلکه منجر به حرمت‌زدایی از حرم خواهد شد. مزرهای باز و وسیع حرم، آن را از خاص‌بودگی خواهد انداخت و منجر به افول حرمت‌ها و تقدس‌ها خواهد شد، لذا پتانسیل حرم نیز دقیقا در محدوده حرم معنادار است.

